

تأثیر رمزارزها بر مفاهیم سنتی مال، انتقال و تسلیم مال در حقوق ایران

سامان عسکری^۱ / رضا زر جان^۲ / نوروز علی مرادی^۳

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

کدمقاله: JHVMN-۲۵۱۰-۱۳۳۴

چکیده

پدیده رمزارزها به عنوان یکی از نوآوری‌های انقلابی در عرصه مالی و فناوری، نه تنها ساختارهای اقتصادی، بلکه بنیان‌های حقوقی حاکم بر «مالکیت» و «انتقال اموال» را در نظام‌های حقوقی سنتی با پرسش‌های بنیادین مواجه ساخته است. این پژوهش با رویکردی تحلیلی-توصیفی، به بررسی دقیق تأثیر این دارایی‌های دیجیتال بر سه مفهوم کلیدی «مال»، «انتقال مال» و «تسلیم» در چارچوب حقوق ایران می‌پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اگرچه در سنت فقهی و حقوقی ایران، مال عمدتاً بر پایه معیارهایی چون قابلیت لمس و اختصاص، منفعت عقلایی و مشروعیت تعریف شده است، اما ماهیت منحصربه‌فرد رمزارزها شامل غیر ملموس بودن، غیر متمرکز بودن و وابستگی به فناوری بلاک‌چین این پرسش را به وجود آورده که آیا این دارایی‌های نوین در تعریف سنتی «مال» می‌گنجد یا خیر. در این راستا، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با وجود دیدگاه‌های مخالف، گرایش غالب در ادبیات حقوقی جدید، با تکیه بر «ارزش اقتصادی و مقبولیت عرفی» رمزارزها، به سوی پذیرش «مالیت» برای آن‌ها در حرکت است. یکی از عمیق‌ترین چالش‌های مورد بررسی، تطبیق فرآیند انتقال و تسلیم رمزارزها با مفاهیم دیرینه‌ای مانند «قبض و اقباض» در قانون مدنی ایران است. در این مقاله استدلال می‌شود که در دنیای دیجیتال، «تسلیم» دیگر به معنای انتقال فیزیکی نیست، بلکه «انتقال کنترل و سلطه بر دارایی» است که از طریق جابه‌جایی کلیدهای خصوصی و ثبت غیرقابل انکار تراکنش در دفترکل توزیع‌شده بلاک‌چین محقق می‌شود. این تغییر پارادایم، نیازمند بازتعریف این مفاهیم در حقوق مدرن است.

واژگان کلیدی: رمزارز، مالکیت دیجیتال، ارز دیجیتال، بلاک‌چین، مالیت، تسلیم.

۱. دکترای حقوق خصوصی از علوم و تحقیقات - واحد بین الملل قشم، ایران. (نویسنده مسئول) Saman.askari@iau.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه. Reza.zarjan@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. n.moradi4210@gmail.com



مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحولات فناورانه گسترده‌ای در حوزه اقتصاد دیجیتال به وقوع پیوسته که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ظهور رمزارزها^۱ و فناوری بلاکچین اشاره کرد. این تحولات، نه تنها ساختارهای مالی و بانکی سنتی را متحول ساخته‌اند، بلکه مفاهیم بنیادینی نظیر «مالکیت»، «مال» و «انتقال مال» را نیز در معرض بازنگری قرار داده‌اند. رمزارزها با ویژگی‌هایی چون غیرمادی بودن، عدم وابستگی به دولت یا نهاد متمرکز، قابلیت انتقال سریع و بی‌واسطه، و مبتنی بودن بر رمزنگاری، سبب شده‌اند تا نظام‌های حقوقی برای انطباق مفاهیم سنتی با واقعیت‌های نو ظهور، با چالش‌های جدی مواجه شوند. در نظام حقوقی ایران، تعریف «مال» عمدتاً بر پایه فقه امامیه و قانون مدنی استوار است و بر اساس معیارهایی چون قابلیت اختصاص یافتن به شخص، منفعت عقلایی، و قابلیت نقل و انتقال تعریف می‌شود. با این حال، تردیدهایی در خصوص انطباق رمزارزها با این تعاریف وجود دارد، به‌ویژه در زمینه امکان تملک مشروع، اثبات مالکیت و انتقال آن از حیث حقوقی و فقهی. همچنین در حوزه اثبات، به دلیل ناشناس بودن مالکیت و عدم وجود اسناد سنتی مالکیت، اصول سنتی مانند قبض و اقباض و تسلیم، دچار ابهام شده‌اند. ظهور رمزارزها به عنوان یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های اقتصادی و مالی در دهه‌های اخیر، تحولات گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف از جمله حقوق، اقتصاد، و فناوری ایجاد کرده است. این دارایی‌های دیجیتال مبتنی بر فناوری بلاکچین، که به طور عمده به عنوان جایگزینی برای پول‌های سنتی شناخته می‌شوند، در واقع نه تنها به عنوان ابزارهایی برای انتقال سریع و ارزان پول در سطح جهانی، بلکه به عنوان نوع جدیدی از مالکیت و دارایی در دنیای دیجیتال مطرح شده‌اند. در نتیجه، این پدیده چالش‌های جدی‌ای را برای قوانین و مقررات حقوقی سنتی به همراه داشته است. در این میان، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که نیاز به بازنگری و تطبیق با تحولات جدید دارد، مفاهیم سنتی مالکیت، انتقال، و تسلیم مال است که در نظام حقوقی ایران، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، به طور عمده بر مبنای قوانین مدنی و اصول فیزیکی استوار بوده‌اند. در نظام حقوقی ایران، مالکیت، به عنوان یکی از اصول بنیادی حقوق مدنی، شامل حقوق و مسئولیت‌های مشخصی است که به دارنده مال تعلق می‌گیرد. همچنین، فرآیند انتقال مال در حقوق ایران به طور سنتی مبتنی بر اسناد مکتوب و ثبت آن در دفاتر رسمی است که معمولاً شامل

^۱. Cryptocurrencies



قراردادهای کتبی، گواهی نامه‌ها و تسلیم فیزیکی مال می‌شود. اما با ظهور رمزارزها، این مفاهیم سنتی دچار تحولات اساسی شده‌اند. ماهیت دیجیتال رمزارزها و غیرمتمرکز بودن آن‌ها، نحوه شناسایی مالکیت و فرایند انتقال آن‌ها را به موضوعاتی پیچیده و نوآورانه تبدیل کرده است که تاکنون در چارچوب قوانین موجود در ایران به‌طور دقیق و جامع پیش‌بینی نشده‌اند. مالکیت رمزارزها با توجه به این‌که این دارایی‌ها به صورت غیرمادی و غیرقابل لمس وجود دارند، سوالات مهمی را درباره مفهوم مالکیت در دنیای دیجیتال مطرح می‌کند. آیا مالکیت رمزارز به‌طور مشابه با دارایی‌های فیزیکی قابل انتقال است؟ چگونه می‌توان اثبات کرد که یک فرد مالک مقدار مشخصی از رمزارز است؟ و در شرایطی که فرایند انتقال آن به‌طور خودکار و بدون نیاز به واسطه‌های قانونی انجام می‌شود، چه ضمانت‌هایی برای حفظ امنیت و صحت انتقال وجود دارد؟ این سوالات در حالی مطرح می‌شود که در نظام حقوقی ایران، مالکیت معمولاً بر مبنای اسناد فیزیکی و مستندات مکتوب استوار است و بسیاری از حقوق و تکالیف مرتبط با انتقال مالکیت در صورت فقدان چنین مستنداتی دچار ابهام می‌شود. در زمینه انتقال مال، یکی از چالش‌های بزرگ در مواجهه با رمزارزها، تطبیق فرآیندهای قانونی موجود با شیوه‌های جدید انتقال دارایی است. رمزارزها بر اساس تکنولوژی بلاک‌چین و در بستر شبکه‌های غیرمتمرکز مبادله می‌شوند. در این فرایند، دیگر نیازی به واسطه‌های مالی و قضائی مانند بانک‌ها یا دفاتر اسناد رسمی وجود ندارد. این امر باعث شده است که در قوانین ایران، که انتقال مالکیت معمولاً از طریق اسناد رسمی و ثبت شده در مراجع قانونی انجام می‌شود، خلاء قانونی بزرگی برای پیاده‌سازی چنین فرایندهای خودکار و غیرمتمرکز وجود داشته باشد. همچنین، نبود یک سامانه شفاف برای ثبت و تایید انتقال مالکیت رمزارزها در ایران، منجر به مشکلاتی در خصوص صحت معاملات و احراز مالکیت در محاکم قضائی می‌شود.

تسلیم مال نیز یکی دیگر از موضوعات چالش برانگیز در ارتباط با رمزارزها است. در دنیای سنتی، تسلیم مال به عنوان فرآیندی فیزیکی و محسوس در نظر گرفته می‌شود که نیاز به حضور فیزیکی مال و تسلیم آن از سوی فروشنده به خریدار دارد. اما در دنیای دیجیتال، این فرآیند به‌طور عمده به صورت مجازی و از طریق ارسال داده‌ها در بستر اینترنت صورت می‌گیرد. در مورد رمزارزها، فرآیند تسلیم به‌طور خودکار و بر اساس تأیید تراکنش‌ها در شبکه بلاک‌چین صورت می‌گیرد. این مسأله، به‌ویژه در مواردی که مشکلاتی مانند خطای انسانی یا نقص فنی در فرآیند انتقال پیش آید، نیازمند بازنگری در مفاهیم سنتی تسلیم مال و توسعه راهکارهای حقوقی جدید است.

در این راستا، این مقاله به تحلیل دقیق تأثیر رمزارزها بر مفاهیم سنتی مالکیت، انتقال و تسلیم مال در حقوق ایران می‌پردازد. در ابتدا، به بررسی ماهیت حقوقی رمزارزها و تطابق آن‌ها با مفاهیم قانونی مالکیت و انتقال مال در نظام حقوقی ایران پرداخته خواهد شد. سپس، چالش‌های ناشی از نبود قوانین و مقررات مشخص در این زمینه و تأثیر آن‌ها بر فرآیندهای حقوقی موجود تحلیل خواهد شد. در نهایت، پیشنهادهایی برای اصلاح و به‌روزرسانی قوانین و سیاست‌های حقوقی کشور در راستای هم‌راستایی با تحولات فناوری‌های نوین، به‌ویژه در زمینه رمزارزها، ارائه خواهد شد. هدف از این تحقیق، نه تنها شناسایی مشکلات موجود، بلکه فراهم آوردن بستری برای توسعه رویکردهای نوین و کارآمد در حقوق ایران است که بتواند با تحولات دیجیتال همگام شود و امنیت و شفافیت معاملات مبتنی بر رمزارزها را تضمین کند.

۱- کلیات و تعاریف مفاهیم

۱-۱- مفهوم مال

در نظام‌های حقوقی سنتی، مفهوم «مال» واجد شاخص‌هایی است که بر پایه‌ی آن‌ها تمایز میان اشیاء دارای ارزش اقتصادی و سایر اشیاء برقرار می‌شود. مال چیزی است که مورد توجه، میل و رغبت انسان قرار دارد و انسان می‌خواهد آن را به ملکیت خود درآورد. کلمه مال از «میل» گرفته شده است، چرا که مال چیزی است که انسان به سوی آن متمایل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ش، ۷۴) از رویکرد حقوقی، مال چیزی است که ارزش داد و ستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگر داده می‌شود و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد (امامی، ۱۳۷۷، ۲۶) معیار تمییز این ارزش نوعی است و در اختیار عرف است یعنی هر چیزی که در بازار معادل مبلغی پول است از رویکرد حقوقی مال محسوب می‌شود. در فقه امامیه، سه شرط عمده برای مال بودن وجود دارد: ارزش عقلایی، قابلیت اختصاص، و مشروعیت شرعی (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ۹۷). از این منظر، اشیاء نامحسوس یا غیرمادی تنها زمانی می‌توانند مال تلقی شوند که ارزش اقتصادی آن‌ها مورد پذیرش عرف باشد. برخی از فقها مال را چنین تعریف نموده‌اند: «المال ما یبذل فی المقابله المال» با وجود این برخی از حقوقدانان از این تعریف ایراداتی وارد نموده‌اند و مال را چنین تعریف نموده‌اند: «مال عبارت از چیزی است که دارای ارزش اقتصادی باشد» (شهیدی، ۱۳۸۵، ۲۸۴)

۱-۲- تسلیم

ماده ۳۶۷ قانون مدنی تسلیم را این چنین تعریف نموده است: «تسلیم عبارت است از دادن مبیع به تصرف مشتری به نحوی که متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است از استیلا مشتری بر مبیع.» شرط قدرت بر تسلیم مبیع به صراحت در قانون مدنی، در مواد ۳۴۸، ۳۷۰، ۳۷۱ و ۳۷۲ بیان شده است و به طور کلی منظور از مقدورالتسلیم بودن این است که انتقال دهنده مال یا حق یا تعهد، توانایی تسلیم مورد قرارداد، به منتقل الیه، یا متعهدله را داشته باشد. (امین و شبیری زنجانی، ۱۴۰۲، ۴۴)

۱-۳- بلاکچین و رمزارز

بلاکچین شبکه ای توزیع شده و غیرمتمرکز از رایانه هاست که به منزله فناوری و ابزاری پیشرفته برای ضبط و ذخیره اطلاعات به صورت امن و دارای قابلیت تأیید اعتبار استفاده می شود. به عبارتی بلاکچین یک دفتر کل توزیع شده یا پایگاه داده‌ای توزیع شده است که شبکه ای غیرمتمرکز از رایانه ها، تراکنش ها را در آن ضبط می کنند. (تاج لنگرودی و دهدار، ۱۴۰۳، ص ۹۰) فناوری بلاکچین، بستر اصلی خلق رمزارزهاست. بلاکچین نوعی دفترکل توزیع شده و رمزنگاری شده است که داده‌ها را به صورت زنجیره‌ای ذخیره می‌کند و غیر قابل تغییر بودن اطلاعات را تضمین می‌نماید. رمزارزها، مانند بیت کوین و اتریوم، در این بستر تولید و مبادله می‌شوند و فاقد ماهیت فیزیکی‌اند. کلماتی مانند ارز دیجیتال، ارز مجازی، رمزارز، ارز رمزپایه، ارز رمزنگاری شده، و یا حتی رمزینه پول، که در کتابها، سایتها، مقالات و کلیه منابع مرتبط، به چشم می‌خورد در واقع برگردان انگلیسی یک کلمه است و یک مفهوم را می‌رساند، یعنی کریپتوکارنسی^۱؛ کریپتوکارنسی از جمع دو لغت کریپتو به معنای رمزی، سری، پنهانی و کارنسی به معنای پول رایج، ارز، ایجاد شده است و مجموع آن، یعنی پول یا ارزی که بر پایه علوم رمزنگاری شده ایجاد شده و می‌تواند با استفاده از علم ریاضیات، کدهای رمزنگاری شده‌ای را ایجاد کند تا اطلاعات پنهان بماند و کسی نتواند در روند تولید، انتشار و انجام مبادلات خللی وارد آورد. (خادمان و همکاران، ۱۴۰۰، ۳۵۱)

^۱. crypto currency



از نظر فنی و اقتصادی، رمزارزها را می‌توان نوعی دارایی دیجیتال دانست که قابلیت مبادله در بستر آنلاین را دارد. با این حال، مسأله اساسی در تحلیل حقوقی این پدیده، آن است که آیا رمزارزها با معیارهای سنتی مال، مالکیت و انتقال آن قابل انطباق هستند یا خیر. در بسیاری از کشورها، تلاش شده تا با تحلیل ویژگی‌های ذاتی رمزارزها، آن‌ها در یکی از قالب‌های سنتی مالکیت بگنجانند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تعریف رمزارز مقرر نموده است که: رمزارز یک نوع دارایی مالی است که بر بستری دیجیتال، غیرمتمرکز و شفاف به نام زنجیره بلوک موجودیت می‌یابد و این دارایی در شرایطی کارکرد پولی به خود می‌گیرد. بعضی از کشورها صرفاً رمزارزها را دارایی تلقی می‌نمایند و بعضی از کشورها آن را به عنوان پول شناسایی نموده‌اند اما در تعریف بانک مرکزی هر دو کارکرد برای رمزارزها در نظر گرفته شده است که دیدگاه اصلی، دارایی تلقی شدن رمزارزها است یعنی اصل بر این است که رمزارزها دارایی و مال است و بعضی اوقات کارکرد پول را انجام می‌دهند. (آقاسی و همکاران، ۱۴۰۲، ۲۴۰)

۲- چالش‌های حقوقی انطباق رمزارز با مفاهیم سنتی در ایران

در ایران، همانند بسیاری از کشورهای جهان، مباحث و مناظرات گسترده‌ای درباره ماهیت پول مجازی در جریان است. در حال حاضر، قوانین ایران در خصوص رمزارزها از جمله بیت‌کوین سکوت اختیار کرده‌اند و از این رو می‌توان آن را به منزله امری مباح و فاقد ممنوعیت قانونی تفسیر نمود. ایران در زمره کشورهایی است که رویکردی محتاطانه در قبال این پول مجازی تحریم‌ناپذیر اتخاذ کرده است. این پول مجازی به دلیل عدم رسمیت‌یابی از سوی بانک مرکزی، در خارج از مرزهای ایران تحت کنترل قرار دارد. بررسی جزئیات مرتبط با مزایا، معایب و همچنین مقررات سلبی یا ایجابی حاکم بر استفاده از این ابزار مالی نوین، از سال ۱۳۹۳ توسط نهادها و سازمان‌های متعددی از جمله بانک مرکزی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، پلیس فتا و نیز مرکز ملی فضای مجازی آغاز شده است؛ با این وجود، متأسفانه تاکنون این اقدامات به مرحله اجرایی نرسیده است. (روشن و همکاران، ۱۳۹۸، ۵۷) و در حال حاضر همچنان، وضعیت مالکیت و انتقال رمزارز در حقوق ایران مبهم است و پرسش‌هایی نظیر مشروعیت تملک رمزارز، امکان اثبات مالکیت، قابلیت توقیف و انتقال قهری، همچنان فاقد پاسخ روشن‌اند.

۳- وضعیت حقوقی رمازرها در نظام حقوقی ایران

در حقوق ایران، هیچ قانون مصرحی در زمینه شناسایی یا تنظیم حقوقی رمازرها وجود ندارد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۷ طی بخشنامه‌ای، استفاده از رمازرها به عنوان ابزار پرداخت را ممنوع اعلام کرد، اما به طور تلویحی مالکیت و نگهداری آن‌ها را جرم‌انگاری نکرده است. با این حال، خلأ تقنینی در زمینه تنظیم معاملات، تملک، اثبات مالکیت، و انتقال رمازرها، سبب بروز ابهامات جدی در عمل شده است. از دیدگاه فقه امامیه، که مبنای حقوق مدنی ایران است، مال بودن یک شیء منوط به داشتن منفعت عقلایی، امکان اختصاص به شخص و مشروعیت آن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ۱۰۷). اگرچه برخی فقها رمازرها را فاقد عینیت و بالتبع فاقد وصف مالیت می‌دانند، اما دیدگاه غالب در سال‌های اخیر به سمت پذیرش مالیت رمازرها به اعتبار ارزش عرفی آن‌ها گرایش یافته است. از این رو، تملک رمازرها به شرط عدم استفاده نامشروع، از نظر حقوقی قابل توجیه است. از حیث اثبات مالکیت، فقدان اسناد رسمی و مبتنی بودن انتقال رمازرها بر کلیدهای رمزنگاری‌شده، موجب تردید در قابلیت استناد به این نوع مالکیت در دعاوی مدنی شده است. همچنین، شرایط تسلیم و قبض در انتقال رمازرها، با تعریف سنتی این مفاهیم در تعارض است، زیرا انتقال رمازرها با ورود کلید خصوصی در یک کیف پول الکترونیکی انجام می‌شود که از نظر عرفی تسلیم فیزیکی تلقی نمی‌گردد.

۴- مال بودن رمازرها

اکنون ضرورت دارد مفاهیم پیش‌گفته با رمازرها تطبیق داده شود تا مشخص گردد آیا می‌توان برای رمازرها قائل به مالیت شد و آنها را مال قلمداد نمود؟ در خصوص طبیعت غیرملموس، غیرعینی و غیرفیزیکی رمازرها همان طور که در مطالب پیشین گفته شد، این موضوع موجب خروج رمازرها از مفهوم مال نخواهد شد؛ اما در خصوص صدق شرایط مالیت ممکن است تردید وجود داشته باشد که تبیین آن ضرورت دارد. ممکن است گفته شود مفید بودن هر چیزی از این نظر است که نیازی از انسان، خواه مادی یا معنوی، را برآورده کند، حال آنکه رمازرها، نیازی از انسان را برآورده نمی‌کنند. لکن در پاسخ باید گفت، برطرف شدن نیاز به دو شیوه انجام می‌شود: گاهی آن شیء به علت مرتفع کردن نیاز انسان، ارزش ذاتی دارد، مانند طلا، پوشاک و اتومبیل و گاهی آن شیء مستقیماً نیاز انسان را برطرف نکرده و ارزش ذاتی ندارد، مانند اسکناس که ذات آن، کاغذی بیش نیست و ارزشی ندارد،

ولی از آنجا که به عنوان وسیله‌ای برای رفع نیازهای انسان استفاده می‌شود، ارزش و مالیت اعتباری دارد (محمودی، ۱۳۹۸، ۵۱۲) اگرچه نمی‌توان برای ارزشهای مجازی ارزش ذاتی قائل شد چرا که مستقیماً نیازی را برطرف نمی‌نماید، لیکن از آنجا که این ارزشها همچون اسکناس و پول‌های امروزی می‌توانند به عنوان وسیله‌ای برای رفع نیازهای انسان به کار روند، مفید و ارزشمند تلقی می‌شوند. از سوی دیگر عقلاً در برابر آن، مال پرداخت می‌کنند و این به معنای ارزش اقتصادی آن در میان مردم است. امروزه طبق آمارهای موجود هر روز بر تعداد متقاضیان، استفاده‌کنندگان و پذیرندگان پول رمزنگاری شده افزوده می‌شود؛ لذا بر اساس ضوابط مالیت پیدا کردن یک شیء نزد عرف و عقلاً، این مال، مالیت دارد؛ بدین معنا که هم بین عرف و عقلاً مطلوب است و هم برای تحصیل آن به رقابت با هم می‌پردازند. برخی معتقدند که برای رمزارزها نمی‌توان مالیتی قائل شد چرا که عقلای جامعه به جهت فقدان پشتوانه از منشأ، غیرمتمرکز بودن و ابهاماتی که در مورد آن وجود دارد بدان تمایلی ندارند. (محمودی، ۱۳۹۸، ۵۱۲؛ میرزاخانی و سعدی، ۱۳۹۷، ۷۹) لکن این تفکر صحیح نیست زیرا رمزارزها، نزد آشنایان با این بازار، به سبب منافع که دارد مرغوب است. از این رو، در مالیت عرفی آن تردیدی نیست. مضافاً اینکه برخی از انواع رمزارزها همان طور که پیش تر اشاره گردید با پشتوانه صادر شده و حاکمیت‌ها نیز از آنها حمایت می‌کنند. همچنین از آنجا که این قبیل ارزشها قابلیت استفاده در جهات حلال، همچون پرداخت بهای کالاهای مباح خریداری شده را دارند و منفعت محله برای آن متصور است، مالیت شرعی آن نیز قابل پذیرش است. لذا با توجه به مفاهیم پیش‌گفته رمزارزها در هر نوع، شکل و قالب، گونه‌ای از اموال قلمداد شده و مالیت اعتباری دارد و این مالیت، نه از طرف حکومت بلکه از سوی اجتماع و استفاده‌کنندگان آن، اعتبار شده است. (خادمان و همکاران، ۱۴۰۰، ۳۵۸-۳۵۷) شرایط محیط و وضعیت‌های شخصی و اجتماعی با تنوعی که دارد، از مالیت مفهوم نسبی ساخته است. این نسبیت در حقیقت از نسبی بودن دو عنصر اساسی مالیت یعنی فایده داشتن و محدود بودن وجود و عرضه شیء ناشی می‌گردد. ممکن است شیئی نسبت به شخصی و در شرایط خاصی مفید فایده باشد و نسبت به اشخاص دیگر و یا در شرایط عادی، هیچ فایده‌ای نداشته باشد. (شهیدی، ۱۳۸۵، ۲۸۵)

۴-۱- دیدگاه مخالفان مالیت رمز ارزها

قائلان این دیدگاه به دلایل مختلفی مانند فقدان اعتباردهنده، عدم بنای عقلا بر انجام و پذیرش رمزارزها، فقدان ضمانت اجرایی خارجی، و همچنین سفهی بودن و غرری بودن این نوع معاملات استناد کرده‌اند (میرزاخانی و سعدی، ۱۳۹۷، ۸۰). به اعتقاد ایشان وقتی بخواهیم یک دارایی را معامله کنیم، آن دارایی یا باید دارای ارزش ذاتی باشد که به خاطر آن مالیت یابد و قابل معامله باشد یا اینکه دارای ارزش اعتباری باشد و براساس جایگاه اعتبار دهنده بتوان گفت این دارایی تا چه میزان اعتبار و ارزش دارد و بر همین اساس بتوان آن را معامله کرد. لذا رمزارزی مثل بیتکوین براساس اطلاعات موجود از آن، از لحاظ مالیت مورد تردید واقع شده، زیرا هیچ شناختی از اعتباردهنده‌اش وجود ندارد تا بدانیم که این اعتبار دهنده کیست و چه وظایف و تعهداتی را در قبال آن برعهده گرفته است. برخی معتقدند که برای رمزارزها نمی‌توان مالیتی قائل شد، چراکه عقلای جامعه به جهت فقدان پشتوانه مالی، غیرمتمرکز بودن و ابهاماتی که درمورد آن وجود دارد، بدان تمایلی ندارند (محمودی، ۱۳۹۸، ۵۱۲؛ میرزاخانی و سعدی، ۱۳۹۷، ۷۹). به تعبیر دیگر، اگر به لحاظ موضوع شناسی، «رمزارز» مال نباشد، آنگاه معاملات انجام شده با آن نیز از نظر شرعی زیر سؤال می‌رود و معاملات آن باطل خواهد بود، زیرا آنچه شرعاً می‌تواند مبادله شود، مال است و وقتی مالی در میان نباشد و بگوئیم «رمزارز» فاقد عنصر مالیت است، نمی‌توان آن را خرید و فروش کرد. به اعتقاد برخی، رمزارزها پولی مبهم هستند، زیرا اساس وجود و چگونگی مالیت آن مبهم است. درنتیجه، از لحاظ مبانی فقهی و حقوقی، معامله با آن، معامله غرری است، زیرا اصل وجود و مالیت داشتن آن و نیز اندازه اعتبار آن و اینکه پشت این پول، اعتباردهنده‌ای مسئول و متعهد وجود داشته باشد، مشکوک است (علوی وثوقی و غلامی، ۱۴۰۲، ۳۴۰). بنا به دیدگاه این افراد، نمی‌توان رمزارز را به طور رسمی پول تمام عیار و ارز دیجیتال قلمداد کرد، زیرا به رغم داشتن برخی از خصوصیات پول، همچنان فاقد کارکردها و ویژگی‌های اصلی پول اعتباری است و تنها با تسامح می‌توان آن را پول نامید. (کافی موسوی و حسن‌خانی، ۱۴۰۳، ۱۴۰-۱۳۹)

۴-۲- دیدگاه موافقان مالیت رمز ارزها

قائلان این دیدگاه معتقدند طبیعت غیرملموس، غیرعینی و غیرفیزیکی رمزارزها موجب خروج رمزارزها از مفهوم مال نخواهد شد. همچنین براساس معیارهای فقهی مالیت داشتن یک شیء، مبنی

بر اینکه شیء دارای رغبت باشد؛ بهگونهای که عقلا حاضر به پرداخت عوض در قبال آن بوده و نیز از ندرت نسبی برخوردار باشد، میتوان گفت ارزشهای دیجیتالی واجد شرایط مالیت هستند (علوی و ثوقی و غلامی، ۱۴۰۲، ۳۴۳)، چراکه مورد رغبت عقلا هستند و اتفاقاً در دنیای امروزی در قبال آن عوضی داده می‌شود (چیت‌سازیان و خورسندی، ۱۴۰۰: ۱۱۸). از نظر موضوع شناسی رمزارزها نیز می‌توان گفت که «تعیین موضوعات به دست عرف عقلاست نه شرع؛ بنابراین، بیت‌کوین مال است و مال بودن آن را عرف تعیین می‌کند و در عرف با بیت‌کوین به عنوان مال معامله می‌شود» (عبدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۳). به تعبیر دیگر، مفهوم مالیت را امری اعتباری نزد عقلا در نظر می‌گیریم که ناشی از میزان مقبولیت و مرغوبیت آن نزد مردم است، به نحوی که برای به دست آوردن آن رقابت یا حتی منازعه می‌کنند؛ اعم از آنکه برای رفع ضروریات اولیه باشد یا تحصیل لذت. البته اگر بپذیریم رمزارزها مبتنی بر زنجیره رمزنگاری شده بر اساس فرمول و قوانین ریاضی است که ایجاد این زنجیره برای دارنده آن، حق انحصاری مالی ایجاد می‌کند، می‌توان گفت این فرد می‌تواند این حق مالی را به دیگران نیز انتقال دهد. در واقع، کسی که رمزارزی را ایجاد می‌کند، نوعی ابداع و نوآوری فکری ایجاد می‌کند که به عنوان پول رمزنگاری شده، قابلیت نقل و انتقال دارد (نوری و نواب‌پور، ۱۳۹۶: ۷۸). از منظری دیگر، رمزارزها به رغم فقدان پشتوانه، مورد اقبال عرف و عقلاست و از آنجا که در فقه، نبود پشتوانه لزوماً حکم بطلان را در پی ندارد، می‌توان رمزارزها را به عنوان پول مجازی در دنیای امروز پذیرفت و مستند فقهی آن را پذیرش عرف قرار داد. همچنین، اگر آن را نه به عنوان پول، بلکه تنها به عنوان کالایی ارزشمند در تبادل مالی بپذیریم، باز هم فقدان پشتوانه تأثیری بر جواز این شیوه از تبادل نمی‌گذارد (علوی و ثوقی و غلامی، ۱۴۰۲، ۳۴۴) به تعبیر دیگر رمزارزها، نزد آشنایان با این بازار، به سبب منافعی که دارد مرغوب است. از این رو، در مالیت عرفی آن تردیدی نیست. همچنین از آنجاکه این رمزارزها قابلیت استفاده در جهات حلال، همچون پرداخت بهای کالاهای مباح خریداری شده را دارند و منفعت محله نیز برای آن متصور است، مالیت شرعی آن نیز قابل پذیرش است. لذا با توجه به مفاهیم پیشگفته رمزارزها در هر نوع، شکل و قالب، گونه‌ای از اموال قلمداد شده و مالیت اعتباری ندارد و این مالیت، نه از طرف حکومت بلکه از سوی اجتماع و استفاده کنندگان آن، اعتبار شده است. بنابراین می‌توان گفت مالیت در ردیف امور اعتباری قرار دارد و نه در ردیف امور حقیقی لذا هر شخصی به دنبال مرغوبیت و مطلوبیتی است که از خرید و فروش یک شیء برای او حاصل می‌شود. قطعاً هیچ انسان عاقلی کار عبث و بیهوده نمی‌کند و آنچه به عنوان مورد معامله قرار می‌دهد

برای او دارای مطلوبیت و منفعت است. لذا رمزارزها امروزه علیرغم مجهول بودن مخترعان و ناشران و فقدان پشتوانه، از نظر عقلا و عرف مقبولیت و پذیرش لازم را دارا بوده و به دلیل رغبت مردم و پرداخت عوض در قبال آن و نیز ندرت نسبی واجد شرایط و وصف مالیت است. لذا به عنوان پول مجازی یا سرمایه و دارایی دیجیتال در دنیای امروز و نزد کاربران فضای مجازی شناخته شده است. به تعبیر دیگر رمزارزها، نوعی دارایی غیرفیزیکی اند که در جوامع ارزش و مالیت یافته‌اند و افراد برای به دست آوردن آنها هزینه می‌کنند. (کافی موسوی و حسن‌خانی، ۱۴۰۳، ۱۴۲-۱۴۰)

۵- مثلی یا قیمی بودن ارزهای دیجیتال

اموال در ادبیات حقوقی به دو دسته «مثلی» و «قیمی» تقسیم‌بندی می‌شوند. مال مثلی به مالی اطلاق می‌شود که از منظر عرف، اشباه و نظایر آن به وفور یافت شود و از حیث ارزش، اوصاف و ویژگی‌های اساسی، یکسان تلقی گردند؛ یا در صورت وجود اختلافات جزئی، این تفاوت‌ها در نزد عرف قابل اغماض بوده، به‌طوری که در مقام ایفای تعهد یا جبران خسارت، بتوان هر واحد از آن را به جای دیگری به متعهدله یا زیان‌دیده تسلیم نمود. در مقابل، مال قیمی به مالی گفته می‌شود که به تشخیص عرف، فاقد مثل و مانند باشد، یا در صورت وجود موارد مشابه، تفاوت‌های آن به حدی بااهمیت باشد که نتوان یکایک آن‌ها را جانشین یکدیگر نمود (عالی‌پناه و ماجدی، ۱۳۹۸: ۲۴۴) با توجه به ماهیت پولی ارزهای مجازی، این اموال در زمره اموال مثلی قرار می‌گیرند و در عمل قابلیت جایگزینی متقابل را دارا می‌باشند. شایان تأمل است که حقوقدانان حتی اشکال سنتی پول، نظیر سکه و اسکناس، را نیز مثلی محسوب نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۴۱۰). از جمله پیامدهای مثلی بودن ارزهای دیجیتال، می‌توان به الزام متخلف به پرداخت معادل همان ارز در مقام جبران خسارت، امکان به کارگیری عقد قرض در خصوص آن‌ها و نیز قابلیت معامله به شیوه‌های کلی، کلی در معین و معین اشاره نمود؛ در حالی که اموال قیمی صرفاً در قالب عین معین قابل نقل و انتقال هستند (محبی‌پور و همکاران، ۱۴۰۴: ۷۰).

۶- مفهوم تسلیم یا قبض و اقباض در رمزارزها

قواعد سنتی «تسلیم» و «قبض و اقباض» در قانون مدنی ایران (به ویژه ماده ۳۶۷ و مواد پس از آن) برای اموال مادی تدوین شده‌اند؛ اما با ظهور دارایی‌های دیجیتال نظیر رمزارزها، پرسش بنیادی این

است که آیا «تسلیم» در معنی سنتی‌اش قابلیت اعمال به این گونه اموال غیرمادی را دارد و در صورت مثبت بودن، معیار تشخیص تحقق تسلیم چیست (انتقال کنترل فنی، کلید خصوصی، ثبت در صرافی یا دفتر واسطه، یا صرفاً ثبت در زنجیره بلوکی)؟ پاسخ این پرسش برای تعیین آثار انتقال مالکیت، مسئولیت‌ها و نحوه اجرای احکام قضایی درباره رمزارزها حیاتی است. قانون مدنی صراحتاً در ماده ۳۶۷ تصریح کرده است: «تسلیم عبارت است از دادن مبیع به تصرف مشتری به نحوی که متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است از استیلاي مشتری بر مبیع». این تعریف مبنای سنتی اعمال آثار حقوقی تسلیم است. ماده ۳۶۷ قانون مدنی بر «دادن مبیع به تصرف مشتری» تأکید دارد. در مورد اموال مادی این معنا معمولاً با قبض مادی محقق می‌شود؛ اما در دارایی‌های غیرمادی (مانند حقوق معنوی یا داده‌های الکترونیک) معیار تسلیم، انتقال «کنترل عملی و توان انجام تصرفات و انتفاع» است؛ به عبارت دقیق‌تر، آنچه باید منتقل شود «قابلیت اعمال اراده بر مال» است (مثلاً توان خرج کردن، واگذاری، فروختن). در مورد اموال غیرمادی مانند رمزارز، انتقال کلید خصوصی یا انتقال موجودی از یک آدرس به آدرس خریدار (یا تحویل از طریق سامانه صرافی معتبر که مالکیت را نشان دهد) مصداق انتقال کنترل و بالتبع تسلیم تلقی می‌شود. این گزاره هم با نظریه‌های تطبیقی قبض اموال غیرمادی و هم با برخی رویه‌های قضایی و نظریه‌های مشورتی مغایرتی ندارد. ماده ۳۶۹ قانون مذکور بیان می‌نماید: «تسلیم به اختلاف مبیع به کیفیات مختلفه است و باید به نحوی باشد که عرفاً آن را تسلیم گویند». طبق این ماده، شیوه تسلیم هر مال بسته به ماهیت آن متفاوت است و باید به گونه‌ای باشد که عرف آن را تحویل واقعی بدانند. در مورد رمزارز، چون مال دیجیتال است، تسلیم زمانی تحقق می‌یابد که خریدار امکان تصرف و کنترل مستقل آن را پیدا کند؛ یعنی فروشنده دارایی را به آدرس کیف پول خریدار در بلاک‌چین منتقل کرده و تراکنش به تأیید شبکه برسد، یا در صورتی که معامله در بستر یک صرافی انجام می‌شود، دارایی به حساب اختصاصی خریدار در همان صرافی منتقل گردد. بنابراین صرف وعده یا نگهداری رمزارز نزد فروشنده عرفاً تسلیم محسوب نمی‌شود، بلکه باید انتقال واقعی و قابل تصرف توسط خریدار صورت گیرد. ماده ۳۶۹ مقرر می‌دارد تسلیم باید به گونه‌ای باشد که عرفاً آن را تحویل بدانند. عرف در هر حوزه و نسبت به هر نوع مال، معیار اصلی است. در مورد رمزارز چون ما با یک دارایی فیزیکی روبه‌رو نیستیم، تحویل به معنای «در دسترس قرار گرفتن کنترل واقعی» برای خریدار است. این کنترل زمانی محقق می‌شود که فروشنده، رمزارز را از کیف پول خودش خارج کرده و به آدرس کیف پول خریدار منتقل کند. یا

تراکنش در بلاک چین ثبت و تأیید شود (چون تا قبل از تأیید، احتمال برگشت یا نامعتبر بودن وجود دارد) و بعد از آن، فقط خریدار از طریق کلید خصوصی خودش امکان خرج کردن یا انتقال رمزارز را دارد. به بیان دیگر، اگر فروشنده بگوید «من هنوز رمزارز را در کیف پول خودم نگه می دارم تا بعداً به تو بدهم»، یا فقط یک رسید یا اسکرین شات از موجودی کیف پولش بفرستد، این تسلیم نیست. عرف فعالان این حوزه چنین وضعیتی را تحویل واقعی نمی دانند. بنابراین در معاملات رمزارز، تسلیم وقتی کامل است که خریدار بتواند رمزارز را مثل مال خودش آزادانه انتقال دهد، درست مثل زمانی که شما کلید یک خانه را تحویل می گیرید و می توانید وارد آن شوید. تسلیم به طور کلی یکی از اجزای اصلی در انتقال مالکیت است و برای تکمیل فرآیند انتقال مال ضروری است. در معاملات سنتی، مانند خرید و فروش اموال مادی، تسلیم مال به معنای انتقال فیزیکی مال از فروشنده به خریدار است. اما در مورد رمزارزها، قضیه کمی پیچیده تر می شود. در حالی که رمزارزها به عنوان یک دارایی دیجیتال از نظر فیزیکی وجود ندارند و صرفاً به صورت داده های دیجیتال در شبکه های بلاک چین ذخیره می شوند، فرآیند تسلیم آن ها برخلاف اموال مادی سنتی، به صورت دیجیتالی و در بستر فناوری های جدید صورت می گیرد. بنابراین جهت تفهیم مفهوم تسلیم در مورد رمزارزها ذکر چند نکته ضروری به نظر می رسد.

۶-۱- عدم نیاز به تحویل فیزیکی

در معاملات رمزارزی، دیگر نیازی به تحویل فیزیکی مال نیست، زیرا رمزارزها به صورت دیجیتالی در بلاک چین ذخیره می شوند و مالکیت آن ها به طور خودکار با انجام تراکنش ها تغییر می کند. این نکته یکی از ویژگی های متمایز رمزارزها است، چرا که در مال های سنتی، تسلیم مال باید معمولاً به صورت فیزیکی انجام شود. در واقع، وقتی که یک نفر رمزارز را به فرد دیگری انتقال می دهد، مالکیت آن رمزارز به طور خودکار در دفتر کل بلاک چین تغییر می کند و این انتقال به معنای «تسلیم» مال از دیدگاه حقوقی محسوب می شود. بنابراین، تسلیم در رمزارزها بیشتر به معنای تسلیم حقوق مالکانه است و نه تسلیم فیزیکی.

۶-۲- عدم وجود مالکیت فیزیکی

رمزارزها فاقد ویژگی‌های مادی و فیزیکی هستند. یعنی نمی‌توان آنها را همانند یک قطعه زمین، خانه یا حتی یک اسکناس لمس کرد یا مشاهده کرد. این امر باعث می‌شود که چالش‌های حقوقی جدیدی برای شناسایی مالک و تسلیم ایجاد شود، زیرا در سیستم‌های حقوقی سنتی، تسلیم به‌طور معمول به انتقال فیزیکی مال مرتبط است. از این رو، در رمزارزها، تسلیم مال به معنای ارسال یک تراکنش به شبکه بلاک‌چین است که به صورت دیجیتالی ثبت و تایید می‌شود. اگر شخصی به شما یک رمزارز بفرستد، شما به‌طور فوری مالک آن می‌شوید، حتی اگر این دارایی به صورت فیزیکی وجود نداشته باشد.

۶-۳- زمان بندی تسلیم

یکی دیگر از نکات مهم در تسلیم رمزارزها، زمان‌بندی آن است. در حالی که در معاملات سنتی، تسلیم معمولاً در لحظه تحویل مال (مثل گرفتن کلید خانه یا نقل و انتقال پول نقد) اتفاق می‌افتد، در رمزارزها، این فرآیند به تأخیر می‌افتد و ممکن است به دلیل مسائل فنی مانند تأیید تراکنش‌ها در شبکه بلاک‌چین، مدت زمانی برای ثبت و تأیید تسلیم نیاز باشد. این تأخیر، در مقایسه با تسلیم فیزیکی مال، می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

۶-۴- عدم وجود واسطه فیزیکی

در رمزارزها، هیچ واسطه فیزیکی وجود ندارد که بتواند تسلیم را تضمین کند. به عبارت دیگر، در مالکیت‌های سنتی، معمولاً یک فرد واسطه مانند یک مأمور دفتر اسناد رسمی یا یک بانک وجود دارد که مراحل انتقال مال را تسهیل می‌کند. اما در رمزارزها، این فرآیند به صورت کاملاً خودکار و دیجیتال در بستر بلاک‌چین انجام می‌شود، که نه تنها تسلیم مال را پیچیده‌تر می‌کند، بلکه نیاز به تغییرات اساسی در قوانین مربوط به تسلیم و انتقال مالکیت دارد.

۶-۵- تسلیم حقوقی در بلاک‌چین

از دیدگاه حقوقی، تسلیم در رمزارزها به معنای تسلیم حقوق مالکانه است. در واقع، زمانی که یک رمزارز به فرد دیگری منتقل می‌شود، در شبکه بلاک‌چین تراکنش ثبت و تایید می‌شود. بدین ترتیب،

مالک جدید به طور رسمی مالک رمزارز تلقی می‌شود، و این اتفاق به معنای تسلیم مالکیت در سیستم حقوقی است.

۷- رویکرد تقنینی ایران در مورد رمزارزها

رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به رمزارزها در سال‌های اخیر بر پایه نظریات مشورتی نهادهای حقوقی و تصویب‌نامه‌های دولتی شکل گرفته است. این رویکرد عمدتاً جنبه احتیاطی دارد و میان پذیرش فناوری بلاک‌چین و کنترل ریسک‌های اقتصادی و حقوقی ناشی از رمزارزها توازن برقرار می‌کند. در نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، مالکیت رمزارزها در قالب اموال قابل مبادله قابل تشخیص دانسته شده، اما استفاده از آنها به عنوان ابزار پرداخت رسمی مردود اعلام شده است. از سوی دیگر، تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران، استخراج رمزارزها را به عنوان یک صنعت مشروع تحت نظارت وزارت صنعت، معدن و تجارت پذیرفته و ضوابط فنی و تعرفه‌های خاصی برای آن تعیین کرده‌اند. در مجموع، سیاست حقوقی ایران به سمت پذیرش محدود و مدیریت‌شده رمزارزها پیش می‌رود، بدون آن‌که جایگاه حقوقی آنها را به عنوان پول یا ابزار مبادله رسمی به رسمیت بشناسد. در ذیل به تصویب نامه و نظریات مشورتی مرتبط با موضوع پرداخته خواهد شد.

۷-۱- نظریه مشورتی شماره ۱۶۲۳/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۳

استعلام: چنانچه از طریق فعالیت در رمز ارزهای خارجی مقداری ارز از کیف پول مالباخته به طور متقلبانه خارج شود، در مقام رد مال با توجه به ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

اولاً، آیا متهم در مقام رد مال باید به مقدار آورده اولیه مال‌باخته محکوم شود یا مقدار ارزش ایجادشده در لحظه و ساعت خروج از کیف پول الکترونیکی ملاک است؟

ثانیاً، آیا محکومیت می‌بایست به مقدار ریالی وجه رایج کشور صورت گیرد یا عین ارز موضوع کلاهبرداری؟ ثالثاً، در صورت تکلیف به رد عین ارز، چنانچه در مقام اجرا و رد مال، عین ارز خارجی و پایه ارزش آن وجود نداشته باشد، تکلیف چیست؟

پاسخ: اولاً، با عنایت به مقررات مربوط از جمله ماده ۳۱۲ قانون مدنی و ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸)، معادل آنچه از کیف پول الکترونیکی برده شده است، باید به مالباخته مسترد شود؛ از آنجا که مال موضوع سؤال مثلی تلقی می‌شود، دادگاه

باید حکم به پرداخت ارز دیجیتال صادر کند و در صورت امتناع، با عنایت به این که معامله ارزهای دیجیتال بر اساس مقررات بانک مرکزی و تصویب نامه شماره ۵۸۱۴۴/ت ۵۵۶۳۷ هـ مورخ ۱۳۹۸/۵/۶ هیأت وزیران در مبادلات داخلی رسمیت ندارد، لذا توقیف و فروش آن به وسیله اجرای احکام ممکن نیست. بنابراین در حکم مالی است که به آن دسترسی نیست و با توجه به ملاک ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ قیمت آن به تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی، بهای آن به قیمت یوم‌الاداء به وسیله کارشناس و خبره محاسبه و از محکوم علیه وصول و به محکوم له پرداخت می‌شود.

۷-۲- نظریه مشورتی شماره ۱۵۵۵/۱۴۰۰/۷ مورخ: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵

استعلام: در بزه کلاهبرداری رایبانه‌ای، چنانچه مال موضوع جرم از نوع ارز دیجیتال (رمز ارز) باشد و حکم دادگاه در مورد رد مال نیز بر همان مبنا صادر شود (بر اساس نوع و میزان ارز برده شده)، در شرایط فعلی که ارز دیجیتال از نظر مراجع قانونی و بانک مرکزی فاقد ارزش ریالی رسمی است و به رغم استعلامات متعدد از بانک مرکزی و صرافی‌های مجاز و ارجاع موضوع به کارشناس رسمی، معادل ریالی آن قابل دست‌یابی نیست و از طرفی با توجه به سکوت قانون در مورد این نوع از ارز و رسمیت نداشتن معاملات راجع به آن در بانک‌ها و صرافی‌های مجاز، تکلیف اجرای حکم در این زمینه چیست؟ آیا می‌توان برای تعیین ارزش معاملاتی آن به سایت‌های غیر رسمی خرید و فروش ارز دیجیتال استناد کرد؟

در صورت منفی بودن پاسخ، آیا معادل‌سازی آن با ارزهای رایج مانند یورو و دلار آمریکا (بر اساس ارزش ریالی زمان وقوع جرم) وجاهت دارد و یا آن که موضوع از مصادیق ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ است و باید مال موضوع جرم را در حکم تلف تلقی کرد و در صورت عدم تراضی طرفین راجع به قیمت، مالباخته را به اقامه دعوی خسارت ملزم بدانیم؟ در این صورت، مبنای خواسته (شیوه تقویم) چگونه خواهد بود؟

پاسخ: با توجه به این که در فرض استعلام به موجب حکم دادگاه محکوم به، رمز ارز (ارز دیجیتال) می‌باشد، لذا محکوم علیه موظف است همان میزان رمز ارز (ارز دیجیتال) مندرج در حکم را به محکوم له تحویل دهد و چنانچه امتناع کند با عنایت به این که معامله ارزهای دیجیتال بر اساس مقررات بانک مرکزی و تصویب نامه شماره ۵۸۱۴۴/ت ۵۵۶۳۷ هـ مورخ ۱۳۹۸/۵/۶ هیأت وزیران در مبادلات داخلی رسمیت ندارد، لذا امکان توقیف و فروش آن به وسیله اجرای احکام ممکن نیست؛

بنابراین در حکم مالی است که دسترسی به آن ممکن نیست و لذا با توجه به ملاک ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی قیمت آن به تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی بهای آن به قیمت یوم‌الاداء به وسیله کارشناس و خبره محاسبه و از محکوم‌علیه وصول و به محکوم‌له پرداخت می‌شود.

۷-۳- نظریه مشورتی شماره ۶۲۴/۱۴۰۳/۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

استعلام: ۱- آیا خرید و فروش رمزارزها (مانند بیت‌کوین) صحیح است؟ ۲- آیا در دین پولی مدیون می‌تواند با دادن رمزارز براثت ذمه حاصل کند؟ ۳- آیا رمزارزها از مصادیق پول خارجی مندرج در بند یک ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ می‌باشد؟ ۴- چنانچه شخصی به پرداخت رمزارز متعهد شده باشد، آیا دعوای مطالبه رمزارز مسموع است؟ آیا می‌توان حکم بر محکومیت شخص به پرداخت رمزارز صادر کرد؟ آیا چنین حکمی قابلیت اجرا دارد؟

پاسخ: با لحاظ ماده ۱۲ آیین‌نامه استخراج رمزارز دارایی‌ها مصوب ۱۴۰۱/۰۶/۰۶ هیأت وزیران با اصلاحات و الحاقات بعدی، نظر به اینکه وفق بند یک تصویب‌نامه «شرایط استفاده از رمزارزها» به شماره ۵۸۱۴۴/ت/۵۵۶۳۷ هـ مورخ ۱۳/۵/۱۳۹۸ هیأت وزیران «استفاده از رمزارزها صرفاً با قبول مسئولیت خطرپذیری از سوی متعاملین صورت می‌گیرد و مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نبوده و استفاده از آن در مبادلات داخل کشور مجاز نیست»، دعوای مطالبه رمزارز قابلیت استماع ندارد؛ بر این اساس پاسخ به دیگر پرسش‌های مطرح‌شده در خصوص نحوه اجرای محکومیت به پرداخت رمزارز منتفی است؛ شایسته ذکر است اظهار نظر در خصوص انطباق یا عدم انطباق رمزارز با مصادیق پول خارجی از وظایف این اداره کل خارج است.

۷-۴- تصویب نامه

تصویب نامه شماره ۵۸۱۴۴/ت/۵۵۶۳۷ هـ مورخ ۱۳/۵/۱۳۹۸ در خصوص استفاده از رمزارزها وزارت صنعت، معدن و تجارت - وزارت نیرو - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات وزارت نفت - وزارت اطلاعات - وزارت امور اقتصادی و دارایی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی سازمان ملی استاندارد ایران هیأت وزیران در جلسه ۶/۵/۱۳۹۸ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب

کرد: ۱ - استفاده از رمزارزها صرفاً با قبول مسئولیت خطرپذیری (ریسک) از سوی متعاملین صورت می گیرد و مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نبوده و استفاده از آن در مبادلات داخل کشور مجاز نیست.

۷-۵- تصویب نامه در خصوص اضافه نمودن یک تبصره به بند (۱) تصویب نامه شماره ۵۸۱۴۴/ت/۵۵۶۳۷ هـ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۳ مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۱۳ با اصلاحات و الحاقات

بعدی

هیئت وزیران در جلسه ۱۳/۷/۱۳۹۹ به پیشنهاد مشترک وزارت نیرو و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد: متن زیر به عنوان تبصره به بند (۱) تصویب نامه شماره ۵۸۱۴۴/ت/۵۵۶۳۷ هـ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۳ اضافه می شود: تبصره - رمز ارزهای استخراج شده بر اساس مجوزهای صادره این تصویب نامه صرفاً برای تأمین ارز واردات کشور و بر اساس مقرراتی که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می کند قابل مبادله خواهند بود. استخراج کنندگان باید رمز ارز دست اول تولید شده را تا سقف مجاز و به صورت مستقیم (بدون واسطه) به کانال های معرفی شده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عرضه نمایند. سقف مجاز رمز ارز استخراج شده و قابل مبادله توسط هر واحد استخراج کننده، بر اساس میزان انرژی مصرف شده توسط آن واحد، طبق دستورالعملی که توسط وزارت نیرو تدوین می شود، تعیین و به صورت دوره ای به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می گردد.

۸- چالش های حقوقی ناظر بر رمزارزها در ایران

یکی از چالش های بنیادین در حقوق ایران، عدم تعریف قانونی روشن از رمزارز است. نه قانون مدنی و نه سایر قوانین موضوعه، هنوز «دارایی دیجیتال» یا «رمزارز» را به عنوان مال شناسایی نکرده اند. این خلأ سبب شده تا وضعیت حقوقی تملک، انتقال و حتی ارث رمزارزها در هاله ای از ابهام باقی بماند. در غیاب قانون، دادگاه ها نیز از تفسیر موسع خودداری کرده اند و این امر موجب ناامنی در معاملات مبتنی بر رمزارز شده است. انتقال مالکیت در حقوق ایران عمدتاً بر پایه مفاهیمی چون «قبض» و «تسلیم» استوار است. اما در دنیای رمزارز، انتقال صرفاً با تغییر کلیدهای رمزنگاری شده در بستر بلاکچین صورت می گیرد، بی آنکه قبض فیزیکی یا حتی نمادین به معنای سنتی انجام شود.

این امر باعث شده تا اعتبار انتقالات رمزارزی با تردید مواجه شود. از سوی دیگر، به دلیل غیرمتمرکز بودن تراکنش‌های رمزارزی، امکان اثبات مالکیت و پیگیری حقوقی نقض آن‌ها با مشکلات عدیده‌ای همراه است. نه دفاتر اسناد رسمی و نه سامانه‌های رسمی ثبت اموال، هیچ‌گونه سازوکاری برای ثبت، توقیف یا انتقال قانونی رمزارزها پیش‌بینی نکرده‌اند. در نظام دادرسی ایران، اثبات مالکیت مستلزم ارائه دلیل قانونی و سند معتبر است. حال آن‌که کلید خصوصی، که اساس تملک رمزارز است، در قالب سند رسمی یا عادی قابل ارائه نیست. در نتیجه، احراز مالکیت در دعاوی مالی مرتبط با رمزارزها بسیار دشوار است. همچنین، از آنجا که رمزارزها غالباً ناشناس هستند، تعیین دقیق طرفین دعوی نیز با دشواری همراه است. این مسأله در مواردی نظیر مطالبه، توقیف اموال، یا حتی ارث، مشکلات متعددی را ایجاد کرده است.



نتیجه گیری

رمزارزها به عنوان یک فناوری نوظهور، تحولات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی، مالی و حتی حقوقی به وجود آورده‌اند. این فناوری به‌ویژه در زمینه مالکیت و انتقال مال، چالش‌هایی را در سیستم‌های حقوقی مختلف به‌وجود آورده است. در ایران، عدم تعریف مشخص و جامع از رمزارز به عنوان «مال»، به ویژه از دیدگاه فقهی و حقوقی، سبب ابهاماتی در رابطه با تملک، انتقال و حتی ارث رمزارزها شده است. همچنین، نبود سازوکارهای قانونی برای اثبات مالکیت و ثبت رسمی انتقالات، مشکلات متعددی را در روند معاملات دیجیتال ایجاد کرده است. از سوی دیگر، چالش‌های فقهی نظیر نبود عینیت فیزیکی و قابلیت استفاده از رمزارزها در روابط اقتصادی، موجب می‌شود که برخی فقها و حتی حقوقدانان به طور کامل آنها را به عنوان مال نپذیرند. در حقوق ایران، هنوز نظام قانونی دقیقی برای استفاده از رمزارزها به وجود نیامده است و خلأ قانونی و فقهی موجب ناامنی و ابهام در معاملات مرتبط با رمزارزها شده است. این امر در حالی است که استفاده از رمزارزها به ویژه در حوزه‌های اقتصادی و تجاری در حال گسترش است و نیاز فوری به مقررات خاص احساس می‌شود. بر اساس آنچه در این پژوهش بررسی گردید، نتایج به صورت مختصر و به شرح ذیل می‌باشد.

۱. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تعریف سنتی مال در حقوق ایران، که بر پایه‌ی قابلیت اختصاص، منفعت عقلایی و مشروعیت (مستنبط از فقه امامیه) استوار است، با چالش مواجه شده است. با این وجود، با استناد به مقبولیت عرفی و ارزش اقتصادی رمزارزها نزد «عقلا»، می‌توان «مالیت اعتباری» را برای آن‌ها به رسمیت شناخت. این پذیرش، مستلزم توسعه‌ی تفسیری موسع از مفهوم مال در نظام حقوقی ایران و عبور از نگاه صرفاً فیزیکی به دارایی‌ها است.

۲. مفهوم سنتی «تسلیم» و «قبض» که در مواد ۳۶۷ به بعد قانون مدنی بر انتقال فیزیکی و استیلای مادی دلالت دارد، در مورد رمزارزها قابلیت اجرایی مستقیم ندارد. معیار نوین برای تحقق تسلیم در این عرصه، «انتقال کنترل عملی و توانایی انحصاری تصرف» در دارایی دیجیتال است که عمده‌تأ از طریق انتقال کلید خصوصی و تأیید تراکنش در شبکه‌ی بلاک‌چین محقق می‌شود. بنابراین، عرف تخصصی فعالان این حوزه می‌بایست به عنوان ملاک جدید شناسایی «تسلیم عرفی» مورد پذیرش دادگاه‌ها قرار گیرد. در عمل، انتقال رمزارزها وقتی محقق می‌شود که کنترل انحصاری بر دارایی دیجیتال (عموماً از راه کلید خصوصی یا آدرس کیف پول) به منتقل‌الیه، منتقل شود و یا تراکنش

مربوطه در دفتر کل بلاک چین ثبت و تأیید گردد. بنابراین باید «تسلیم» و «قبض» در فضای دیجیتال به نحوی تفسیر شوند که انتقال کنترل کلیدها و ثبت تراکنش به عنوان مصادیق تسلیم پذیرفته شود.

۳. مهم ترین چالش شناسایی شده، «سکوت تقنینی» و عدم وجود چارچوب جامع برای تعیین وضعیت حقوقی، اثبات مالکیت، انتقال قهری (مانند ارث) و توقیف رمزارزها است. نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه (مانند نظریه های سال های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴) نیز صرفاً به بیان بخشی از مشکلات اجرایی پرداخته و قادر به رفع ابهامات ساختاری نیستند. این خلأ، امنیت حقوقی معاملات را تضعیف و راه را برای بروز اختلافات پیچیده فراهم کرده است.

۴. رویکرد کنونی جمهوری اسلامی ایران (متبلور در تصویب نامه ۱۳۹۸/۰۵/۱۳ هیأت وزیران و آیین نامه استخراج) که از سویی استخراج را مجاز شمرده ولی از سوی دیگر استفاده از رمزارز را در مبادلات داخلی فاقد رسمیت و حمایت دانسته، رویکردی دوگانه و محتاطانه است. این سیاست اگرچه در کوتاه مدت به کنترل ریسک ها می پردازد، اما در بلندمدت مانع از بهره گیری از فرصت های این فناوری و توسعه ی بازارهای مالی نوین می شود.

۵. در نهایت، نظام حقوقی ایران برای همگامی با تحولات عصر دیجیتال ناگزیر از پذیرش واقعیت های جدید است. پیشنهاد محوری، «تدوین قانون جامع دارایی های دیجیتال» است که در آن تعاریف روشن از مالیت رمزارزها، شرایط صحت معاملات، نحوه اثبات مالکیت، مقررات حاکم بر تسلیم و انتقال، و شیوه های اجرای احکام قضایی و ... در آن به طور شفاف پیش بینی شده باشد. تنها از این طریق می توان بستری امن، شفاف و قابل پیش بینی برای فعالیت در این عرصه فراهم آورد و از تحولات جهانی عقب نماند. برای رفع چالش های موجود و ایجاد چارچوب قانونی مناسب برای رمزارزها در ایران، پیشنهادات زیر قابل طرح است:

۱- تدوین یک قانون خاص برای دارایی های دیجیتال و رمزارزها

مهم ترین گام برای حل چالش های حقوقی و فقهی، تدوین یک قانون جامع و خاص برای دارایی های دیجیتال و رمزارزهاست. این قانون باید علاوه بر شناسایی رمزارزها به عنوان «مال دیجیتال»، قواعد

مربوط به انتقال مالکیت، اثبات مالکیت، توقیف و حتی استفاده از آن‌ها در روابط مالی و تجاری را تنظیم کند.

۲- اصلاح و تفسیر موسع مفاهیم قبض و تسلیم

در حقوق ایران، انتقال مالکیت با معیارهای سنتی مانند «قبض» و «تسلیم» انجام می‌شود. اما در دنیای رمزارزها، انتقال مالکیت به‌طور عمده از طریق کلیدهای خصوصی و ثبت در دفترکل بلاکچین انجام می‌شود، که به هیچ‌وجه با قبض فیزیکی سازگار نیست. پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار با استفاده از تفسیر موسع، «قبض دیجیتال» را به عنوان معادل تسلیم فیزیکی در نظر بگیرد و آن را در چارچوب قوانین مدنی بگنجاند. این امر می‌تواند امنیت حقوقی را در معاملات رمزارزی افزایش دهد و چالش‌های موجود را در این زمینه حل کند. به عنوان مثال، ثبت تراکنش در بلاکچین و ارائه کلید خصوصی می‌تواند معادل «تسلیم قانونی» تلقی گردد.

۳- ایجاد نهادهای نظارتی و ثبت رسمی برای رمزارزها

یکی از مهم‌ترین مشکلات در ایران، نبود نهادهای رسمی برای ثبت و نظارت بر معاملات رمزارزی است. پیشنهاد می‌شود که سامانه‌ای رسمی برای ثبت تراکنش‌های رمزارزی و همچنین توقیف این اموال و نظارت بر آنها در نظر گرفته شود تا مالکیت رمزارزها در پرونده‌های حقوقی و مالی به صورت مستند و قابل پیگیری ثبت گردد تا امکان شناسایی و توقیف آن‌ها در دعاوی مالی نیز فراهم گردد. این سامانه می‌تواند مشابه با سیستم ثبت املاک باشد و ثبت قانونی و رسمی انتقالات رمزارزی را تضمین کند. چنین سامانه‌ای همچنین می‌تواند به عنوان ابزار نظارتی برای مقابله با پول‌شویی و فعالیت‌های غیرقانونی مورد استفاده قرار گیرد.

۴- تدوین مقررات ویژه برای ارث و تقسیم دارایی‌های دیجیتال

از آنجا که رمزارزها به عنوان دارایی‌های دیجیتال در حال گسترش هستند، باید قوانین ویژه‌ای برای انتقال آن‌ها در حوزه‌های مختلف مانند ارث تدوین گردد. در حال حاضر، در صورتی که فردی دارای رمزارز باشد و فوت کند، مشکلاتی در نحوه تقسیم و انتقال این دارایی‌ها به وراث وجود دارد.

۵- آموزش قضات و وکلای در زمینه رمزارزها

برای حل مسائل حقوقی مرتبط با رمزارزها، یکی از ضروری‌ترین اقدامات، آموزش قضات و وکلا در زمینه ماهیت و ویژگی‌های این دارایی‌ها است. با توجه به پیچیدگی‌های فناوری بلاکچین و رمزارزها، قضات باید آگاهی لازم برای صدور احکام متقن در دعاوی مرتبط با این حوزه را داشته باشند. علاوه بر این، برگزاری دوره‌های آموزشی برای وکلا نیز می‌تواند به‌طور مؤثری در افزایش سطح آگاهی و توانایی آن‌ها در مشاوره حقوقی مرتبط با رمزارزها کمک کند.

۶- تقویت همکاری‌های بین‌المللی و پیوستن به استانداردهای جهانی

از آنجا که رمزارزها به‌صورت جهانی در حال مبادله هستند و بسیاری از کشورها به دنبال ایجاد استانداردهای قانونی برای تنظیم این فناوری هستند، ایران باید با همکاری با کشورهای پیشرفته در این زمینه، به تدوین و پذیرش استانداردهای جهانی در این حوزه بپردازد. پیوستن به کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی می‌تواند به ایجاد هماهنگی در قوانین و مقررات رمزارزها کمک کند و از بروز مشکلات حقوقی در سطح بین‌المللی جلوگیری کند.

منابع

- ۱- امامی، سیدحسن (۱۳۷۷)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی.
- ۲- امین، سیدامیرمهدی؛ شبیری زنجانی، سیدحسن (۱۴۰۲)، عمومیت شرط قدرت بر تسلیم از منظر فقه امامیه و حقوق ایران، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال بیستم، شماره ۷۴، صص ۶۴-۴۲.
- ۳- آقاسی، علیرضا؛ انتظاری نجف آبادی، علیرضا؛ حیدری هراتمه، مصطفی (۱۴۰۲)، جایگاه حقوقی رمازرها در عقد بیع و تبیین ابعاد ژئوپلیتیک آن، فصلنامه جغرافیا(برنامه ریزی منطقه-ای)، دوره ۱۳، شماره ۵۳، صص ۲۴۳-۲۲۷.
- ۴- تاج لنگرودی، محمدحسین؛ دهدار، فرزین (۱۴۰۳)، چالش‌های استفاده از رمز ارزها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، دوفصلنامه علمی حقوق فناوری‌های نوین، دوره ۵، شماره ۹، صص ۸۷-۱۰۶.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
- ۶- چیت‌سازیان، مرتضی؛ خورسندی، زهرا (۱۴۰۰)، ماهیت و مالیت ارزهای دیجیتال از منظر فقه مقارن، دو فصلنامه فقه مقارن، سال نهم، شماره ۱۷، صص ۱۳۴-۱۱۵.
- ۷- خادم‌ان، محمود؛ کوشا، ابوطالب؛ نوری فاطمه (۱۴۰۰)، شناسایی ماهیت حقوقی رمازرها با تحلیل ساختاری آنها در نظام حقوقی ایران، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۵، صص ۳۷۲-۳۴۹.
- ۸- روشن، محمد؛ مظفری، مصطفی؛ میرزایی، هانیه (۱۳۹۸)، بررسی وضعیت فقهی و حقوقی بیت‌کوین، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۲، شماره ۸۷، صص ۷۸-۴۹.
- ۹- شهیدی، مهدی (۱۳۸۵)، تشکیل قراردادهای و تعهدات، چاپ پنجم (چاپ چهارم مجد)، جلد اول، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۰- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- ۱۱- کافی موسوی، اباذر؛ حسن خانی، احمدرضا (۱۴۰۳)، امکان سنجی فقهی و حقوقی تعیین رمزارز به عنوان مهریه در عقد نکاح، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۸، صص ۱۵۰-۱۳۱.
- ۱۲- عالی‌پناه، علیرضا؛ ماجدی، عباس (۱۳۹۸)، تردید در مورد معامله، نشریه آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۹.
- ۱۳- عبدی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۹)، تحلیل حقوقی ماهیت پول الکترونیکی، مجله حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره ۱۶، صص ۸۴-۵۳.
- ۱۴- علوی و ثوقی، سید یوسف؛ غلامی، هادی (۱۴۰۲)، نگاهی نو به ماهیت فقهی رمزارزها و معاملات آن، دوفصلنامه علمی پژوهشنامه فقه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۲، صص ۳۵۸-۳۳۷.
- ۱۵- محبی‌پور، خاتون؛ زارع، مهدی؛ رضانی، محمد؛ خسروی‌نیا، بابک (۱۴۰۴)، ماهیت حقوقی ارزهای دیجیتال و چالشهای تقنین در ایران، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره دوم، صص ۸۰-۶۵.
- ۱۶- محمودی، اصغر (۱۳۹۸)، تحلیل ارزهای مجازی در پرتو فقه، حقوق و مطالعات تطبیقی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، سال چهل و نهم، شماره ۳.
- ۱۷- میرزاخانی، رضا؛ سعدی، حسنعلی (۱۳۹۷)، بیت‌کوین و ماهیت مالی فقهی پول مجازی، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، سال پانزدهم، شماره ۳۰، صص ۹۲-۷۱.
- ۱۸- نوری، مهدی؛ نواب‌پور، علیرضا (۱۳۹۶)، طراحی چهارچوب مفهومی سیاستگذاری ارزهای مجازی در اقتصاد ایران، فصلنامه سیاست گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۷۸-۵۱.



The Impact of Cryptocurrencies on the Traditional Concepts of Property, Transfer of Property, and Delivery in Iranian Law

Saman Askari^۱ / Reza Zarjan^۲ / Norouzali Moradi^۳

Article Number: JHVMN-۲۵۰۹-۱۳۲۶

Abstract

The phenomenon of cryptocurrencies, as one of the revolutionary innovations in the financial and technological spheres, has fundamentally challenged not only economic structures but also the legal foundations governing "ownership" and "the transfer of property" in traditional legal systems. Employing an analytical-descriptive approach, this research meticulously examines the impact of these digital assets on three key concepts: "property," "transfer of property," and "delivery" within the framework of Iranian law. The investigation reveals that although in the Iranian juridical and legal tradition, property has primarily been defined based on criteria such as corporeality, assignability, rational benefit, and legitimacy, the unique nature of cryptocurrencies—including their intangibility, decentralization, and reliance on blockchain technology raises the question of whether these novel assets fit within the traditional definition of "property." In this regard, the findings of the study indicate that, despite opposing viewpoints, the predominant trend in recent legal literature, relying on the "economic value and conventional acceptance" of cryptocurrencies, is moving towards recognizing their "property-ness". One of the most profound challenges examined is the alignment of the process of transferring and delivering cryptocurrencies with longstanding concepts such as "acquisition and delivery" in the Iranian Civil Code. This paper argues that in the digital world, "delivery" no longer signifies physical transfer; rather, it entails the "transfer of control and dominion over the asset," which is achieved through the exchange of private keys and the indisputable recording of the transaction on the distributed ledger of the blockchain. This paradigm shift necessitates a redefinition of these concepts in modern law.

Keywords: Cryptocurrency, Digital Ownership, Digital Currency, Blockchain, Property-ness , Delivery.

^۱. Ph.D. in Private Law, Science and Research Branch, Qeshm International Unit, Iran. (Corresponding Author) Saman.askari@iau.ac.ir.

^۲. M.A. in Private Law, University Lecturer. Reza.zarjan@gmail.com.

^۳. M.A. in Private Law. n.moradi۴۱۵@gmail.com.

